



تنوع کنایات عامیانه در لیلی مجنون نظامی

ناصر ناصری

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی

رسول عظیمی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱ * تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۱۰

چکیده

نظامی شاعر بلند آوازه‌ی قرن ششم، استاد بی بدیل و مسلّم تصویر آفرینی در ادب فارسی است. تنوع و تعدّد صور خیال و التزام کاربرد زبان محاوره و عامیانه وی را به خلق مضمون آفرینی و استفاده از انواع ضرب المثل‌ها و کنایات واداشته است وی بر اثر حکمت عملی و نظری و معلومات فراوان و تفاهم اجتماعی به ایجاد تصاویر بدیع شعری روی آورده است.

کنایه به عنوان یکی از فنون بیانی در آثار نظامی نقش اساسی را در تبیین مطالب و افکار و عقاید بر عهده دارد وی در استفاده از انواع کنایات عامیانه، کمال استادی و برتری خود را بر همه‌ی شاعران نشان داده است در منظومه‌ی لیلی و مجنون به تنوع کنایات لطیف برخورد می‌کنیم که نشأت گرفته از طرز زندگی و فرهنگ عامه‌ی عصر نظامی بوده است وی از این کنایات برای

تأثیر گذاری بیشتر و نزدیک شدن به زبان محاوره با رنگ‌های اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و فرهنگی بهره برده است در این مقاله به تنوع و تعدد کنایات عامیانه در منظومه ی لیلی و مجنون پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی:

صور خیال، کنایات عامیانه، تنوع کنایات، لیلی و مجنون، نظامی گنجوی.

مقدمه:

نظامی خود را شاعر جادوسخن و آینه غیب می داند که شمشیر زبانش فصیح و دم معجزش مسیحایی و حیات بخش است :

در سحر سخن چنان تمامم	کاینه‌ی غیب گشت نامم
شمشیر زبانم از فصیحی	دارد دم معجز مسیحی

لیلی و مجنون، بند ۹، ۶

در آثار نظامی معانی بلند به بیان هنری در می آیند و بیان او دشوار و پیچیده می شود و این پیچیدگی از تزامم صور خیال و ایجاز و معلومات فراوان او ناشی می شود؛ بنابراین او را پیشروان اصالت هنر در ادبیات فارسی می‌دانند دکتر ثروتیان می نویسد : « او پیشرو سبک اصالت هنر است و در هر بیتی خواسته است به زبان هنر سخن بگوید و در هر کلمه‌ای، مجازی و در هر مجازی، استعاره ای و کنایه ای به کار می بندد » (ثروتیان، ۱۳۸۳: ۳۶) و زنده یاد زرین کوب می نویسد : « زبان نظامی سرشار از تصویرهای خیال‌انگیز که عالی ترین هنر شاعر گنجه است، این زبان آکنده از تصویر خیالی، قدرت القاء بیشتری دارد انتخاب این زبان مخصوصاً با تناسبی که در جمع بین عناصر عامیانه و برخی الفاظ اهل مدرسه است کاملاً از روی تأمل و تقریر معانی مورد نظر او صورت گرفته است. (زرین کوب ۱۳۸۳ : ۲۲۳)

تنوع و تعدد صور خیال و التزام کاربرد زبان محاوره و عامیانه، وی را به مضمون‌یابی و معنی‌آفرینی و ضرب‌المثل و زبانزدها و کنایه وا داشته است که ایجاد سبک تازه‌ای گردیده است که خود از آن به عنوان طرز غریب نام می برد. « اشارات و تصویرهای کنایه آمیز او

که امروزه تا حدی دشوارفهم به نظر می آید در زبان معمول و قبول رایج عصر او چندان نامانوس و دور از ذهن و محتاج تأمل تلقی نمی شده است.» (همان : ۲۲۶)

دکتر برات زنجانی در خصوص تنوع صور خیال و کنایات نظامی می نویسد : « اگر شعرا را بر حسب تنوع و تعدد صور خیال دسته بندی کنیم، شاید صدرنشین این رده بندی جز نظامی کسی دیگر نباشد او بر اثر نگرشی دقیق و احساس عمیق و خلاقیت شعری، تشبیهات و استعارات و کنایاتی آورده است که در نوع خود کم نظیر می باشد؛ اشعار او حاوی تمام صور ممکنه شعری است.» (زنجانی، ۱۳۷۷ : ۶۰)

دکتر کامل احمد نژاد درباره نزدیک بودن زبان وی به محاوره و کثرت کنایات عامیانه وی در زبان شعر می نویسد : « دوری نظامی از دربار، دید هنری او را به مردم نزدیک تر کرده است در داستان های او گاه نشان ادبیات شفاهی مردم را می توان دید و دوری از دربارها و بی علافگی به مداحی به او امکان داده است که از آوردن مضامین تکراری و کلیشه ای بی نیاز شود و در هنر خود از مسایل حکمی و اخلاقی و اجتماعی سخن بگوید.» (احمد نژاد، ۱۳۶۹ : ۱۴)

چنان که از اشعار او معلوم می شود، فضیلت نظامی منحصر به شعر و شاعری نبود، و از جوانی به فنون ادب، تاریخ و قصص علاقه داشته و در تحصیل علم همت کرده، مخصوصاً در نجوم صاحب اطلاعات غنی بوده است آن چنان که خود می فرماید:

هرچه هست از دقیقه های نجوم با یکایک نهفته های علوم
خواندم و سر هر ورق جستم چون ترا یافتم ورق شستم

(هفت پیکر، ۱۳۸۵ : ۵)

مثنوی لیلی و مجنون شامل ۴۵۰۰ بیت است که به سال ۵۸۴ به نام شروان شاه ابوالمظفر اخستان سروده شده است، در این مثنوی داستان پرسوز و گداز عشق مجنون (قیس عامری) از قبیله ی عامر و لیلی دختر سعد که از داستان های مشهور تازی در دوره ی جاهلیت می باشد، با شور و تاب خاصی بیان شده است و در بحر هزج مسدس اُخرب مقبوض به رشته نظم درآمده است (زنجانی، ۱۳۷۲ : ۳۵).

«کنایه که در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح علوم بلاغی، کاربرد کلمه یا کلامی است که در آن به جای معنی اصلی یکی از لوازم آن اراده کنند؛ مشروط براین که اراده ی معنی حقیقی نیز جایز باشد.» (گلی، ۱۳۸۷ : ۱۹۱).

در کنایه دو معنی قریب و بعید فهمیده می شود و مراد گوینده معنی پوشیده و بعید آن است مثلاً باد سرد که معنی بعید آن آه کشیدن است یا سخت پیشانی که مراد سخت رو و بی شرم است.

کاربرد کنایه، به شاعر کمک می کند تا آن چه را که در ذهن دارد، به گونه ای مؤثر و زیبا بیان کند، کنایه در شعر شاعران، ما را به ریشه های فرهنگ عامیانه می رساند، یعنی کنایه از سوی مردم به سوی شاعر حرکت می کند.

از روزگاران بسیار قدیم از آرایه ی ادبی کنایه به وفور برای القای معانی متعدد استفاده می کردند، کمتر اثری سراغ داریم که از این فن برای بیان سخن و القای معنای پنهان آن استفاده نشده باشد، اگر به تک تک اشعار و سخنان بزرگان ادبیات رجوع کنیم، خواهیم دید که این فن چه قدر زیبا و مؤثر برای بیان مقاصد درونی بزرگان بیان شده است، مثلاً اگر در گلستان سعدی سیری کنیم، می بینیم که آن مرد پارسا چه قدر زیبا و به تعریض امید داشتن به پادشاه را نفی می کند بدون این که مشکلی برای خودش به وجود آورد. «پادشاهی پارسایی را دید و گفت هیچت از ما یاد آید؟ گفت: بلی، وقتی که خدا را فراموش می کنم» (یوسفی، ۱۳۷۳: ۷۵)

نظامی گنجه ای در کاربرد صور خیال و نازک اندیشی ها و باریک بینی ها به ویژه تنوع کنایات از استادان برجسته و ممتاز ادب فارسی است و در عرصه هنر ادبیات به زیبایی توانسته است از این فن ادبی در لابه لای اشعار نغز خود خصوصاً در منظومه لیلی و مجنون استفاده کند، نظامی اغلب از کنایاتی استفاده کرده است که امروزه در میان عامه ی مردم دیده می شود. کنایات به کار رفته در لیلی و مجنون دارای ویژگی های خاصی هستند که موجب دلنشینی و تأثیرگذاری آنها شده است که به اختصار به شرح آنها پرداخته می شود:

۱- متنوع بودن کنایات:

تنوع کنایات از ویژگی های بارز اشعار نظامی در منظومه ی لیلی و مجنون است. زمانی که ما در لابه لای اشعار لیلی و مجنون غرق می شویم در می یابیم که متنوع بودن کنایات باعث دل انگیز شدن اشعار او شده است، آن چنان تنوع و تعددی که اندرون انسان را منقلب و متحوّل می کند. این تنوع چنان زیبایی به شعرهایش بخشیده است که انسان را با خود به درون احساسات و عواطف فردی می کشاند که نظامی همواره به دنبال آنها بوده است یعنی

احساس زندگی کردن با مردم طبقه‌ی متوسط یا حتی ضعیف، که خود او همواره در میان آنها بوده است و با آنان مأنوس بوده و زندگی کرده است.

چون دست ظفر کلاه بخشی	چون فضل خدا گناه بخشی
خود را ز دریغ بر زمین زد	بسیار طپانچه بر جبین زد
شرط هنرش تمام کردند	قیس هنریش نام کردند
از جزع پرآب لعل می سفت	بر عهد شکسته بیت می گفت

(نظامی، ۱۳۷۶: ۴۵۷)

«کلاه‌بخشی دست» کنایه از اقتدار و جاه بخشیدن و «گناه بخشی» کنایه از عفو و بخشش، «طپانچه بر جبین زدن» کنایه از اظهار پشیمانی و بیقراری و «لعل سفتن» کنایه از اشک ریختن و «بیت گفتن» کنایه از شعرهای سوزناک سرودن است که در همین چند بیت، کنایات زیادی با مفاهیم متفاوت و متنوع دیده می‌شود.

۲- کنایه‌هایی که با فرهنگ مردم مطابقت دارد.

توجه به فرهنگ مردم در اشعار بزرگان ادبیات، همواره از اصولی بوده که با پابندی به این اصول شعر سروده‌اند، چرا که به وسیله‌ی کنایه است که شاعر به اتکا به آن در اندرون فرهنگ مردم زمانه‌ی خود سیر می‌کند، بنابراین از مطالبی سخن می‌راند که هیچ وقت فرهنگ عامیانه رایج در جامعه را زیر پا نمی‌گذارد، بلکه تلاش می‌کند تا جایی که امکان دارد، از فرهنگ عامیانه در اشعار خود به نیکی یاد کند.

نظامی یک جامعه‌شناس واقع‌بین است که اجتماع پیرامون خود را به خوبی درک می‌کند و براین آگاه است که چگونه می‌توان در اجتماع همراه با مردم عوام زندگی کرد، یا چگونه می‌توان با مردم عادی ارتباط برقرار کرد و از یک زندگی آبرومند بهره‌مند شد. زندگی کردن با مردم طبقه‌ی متوسط در خون و جان نظامی جریان دارد که این اشتیاق در تمام کنایات لیلی و مجنون مثل دریایی است که موج‌های آن در حال فزونی می‌باشد، نظامی با مردم متوسط جامعه هم‌صدا می‌شود و با آنها در غم و شادمانی اظهار دردمندی و شادی می‌کند. نظامی از جمله شاعران گران‌قدر فارسی است که هیچ وقت به دنبال دربارنشینی نبوده زیرا به خوبی براین مسأله واقف است که توجه به مادیات و خوشی‌های دربار، او را از لذت ارتباط با مردم عامه و هم‌نشینی با مردم بی‌نصیب خواهد کرد.

دقت در کنایات به کار رفته در منظومه‌ی لیلی و مجنون نشان می‌دهد که وی همیشه دوست دارد زندگی بدون دغدغه داشته باشد و این زندگی آرام را تنها در میان مردم عادی جست‌وجو می‌کند، چرا که به وسیله کنایه‌ها سعی دارد این نکته را به مخاطب خود بفهماند که من هم، یک انسان ساده زیست هستم که به زندگی کردن در میان مردم علاقه‌ای بسیار عمیق دارم، سخن نظامی هیچ وقت تافته‌ی جدا بافته از سخن مردم نیست. در کنایه‌های منظومه‌ی لیلی و مجنون رنگ و بوی کنایات عامیانه همواره مشام مخاطب را نوازش می‌دهد، رنگ و بویی که فقط در جامعه‌ی طبقه‌ی متوسط یا ضعیف احساس می‌شود، احساسی که هیچ وقت در انسان مادی و درباری حس نمی‌شود، نظامی شاعر ی است که همیشه همگام و هم درد مردم است با مردم می‌نالند و با مردم شادی می‌کند دست‌یابی به یک جامعه ایده‌آل را در میان مردم جستجو می‌کند :

لیلی ز خروش چنگ در بر / مجنون چو رباب دست بر سر

(دستگردی، ۱۳۷۶: ۴۷۰)

کردند بسی سپید سیمی / از ما نشد سیه گلیمی

(همان: ۵۰۰)

زان شیفته‌تر سیه ستاره / من شیفته‌تر هزار باره

(همان: ۵۵۴)

من دیده به روی تو گشاده / سر بر سرکوی تو نهاده

(همان: ۵۵۰)

۳- کنایاتی که برای نکوهش انسان‌های بی‌هنر به کار رفته است.

شاعران و استادان سخن ادب فارسی، همواره از انسان‌های بی‌هنر ناله سر داده و آنها را در ضمن اشعار و نوشته‌های خود به شدت مورد نکوهش قرار داده‌اند. نظامی در اشعار لطیف خود انسان‌های بی‌هنر و بی‌تقوا را با کنایاتی تند مورد مذمت قرار می‌دهد در تمام دوران زندگی از انسان‌های بی‌فکر و اندیشه ناله سر می‌دهد. نظامی انسان‌های بی‌هنر را با کنایات تندی مانند گاودلان مورد خطاب قرار می‌دهد و هیچ وقت از چنین اظهاری احساس شرمندگی و ندامت نمی‌کند. نظامی برای تقوامنشی و دانایی ارزش بسیار قایل است و هیچ وقت از ارشاد انسان‌ها غافل نمی‌باشد و در تمام ابیات ارزشمندش ارشاد و راهنمایی را مقدم بر نکوهش می‌داند.

نظامی انسان هنردوستی است که هیچ وقت بی هنر، با خون و ذات او تفاهم ندارد. به همین دلیل نفرت او از بی هنران در ابیات دل انگیزش دیده می شود:

بی شیردلی به سر نیاید وز گاودلان هنر نیاید

(دستگردی، ۱۳۷۶: ۴۶۶)

و در مقابل صاحبان هنر را می ستاید:

عیب نویسی مکن آینه وار تا نشوی از نفسی عیب دار

یا به در افکن هنر از جیب خویش یا بشکن آینه ی عیب خویش

(مخزن الاسرار ادبیات ۳-۱۵۳۲)

هنراز جیب بر افکندن کنایه از نشان دادن هنر خود و ید بیضا است.

۴- اغلب کنایات لیلی و مجنون دارای معادل ترکی است.

اغلب شاعران در کاربرد کنایه ها همیشه به کنایه هایی که مردم سرزمین خود در سخنانشان به کار می بردند توجه ویژه ای داشته اند و تمام تلاششان بر این بوده است تا با استفاده از کنایات، به سوی مردم حرکت کنند زیرا کنایه ها بر اثر زندگی در میان مردم کسب می شود لذا شاعر تا با مردم زندگی نکند، در کاربرد کنایه دچار مشکل خواهد شد.

زمانی که یک شاعر با استفاده از کنایه های سرزمینش به آثارش زینت می دهد، مردم آن منطقه، توجه و ارزش خاصی، به خود شاعر و آثارش نشان می دهند، اغلب مردم بر این اعتقادند که آثارشان را با جان دل گوش کنند و آن را به نسل های بعدی انتقال دهند و نیز، شاعران بزرگ ادب فارسی بر این مسأله واقف هستند که با استفاده از کنایه های عامیانه در اجتماعشان، سعی کنند آثارشان را تا روزگاران مدید زنده نگه دارند، بنابراین ما شاهد تلاش های وافر بزرگان عرصه ی سخن، در استفاده از کنایات عامیانه هستیم.

نظامی گنجوی، از جمله شاعرانی است که اشتیاق خاصی در جهت حرکت به سوی مردم داشته و دوری کردن از دربار، دلیل بسیار محکمی بر این ادعا می تواند باشد.

توجه نظامی به کنایه های عامیانه، ارزش اشعار نغز او را دو چندان کرده است، او دقیقاً بر این اصل واقف بوده است که شاعر باید در میان مردم زندگی کند تا با لمس زندگی آنان، آثارش را با مزین کردن به کنایه های عامیانه به اوج رساند، نظامی که شاعری جامعه شناس است و درک بسیار بالایی از اجتماع پیرامونش دارد کنایات به کار رفته در منظومه لیلی و مجنون، دلیل متقنی بر درک نظامی از اجتماع و فرهنگ مردم است. او به مانند یک

روانکاو، به خوبی می‌داند که چه باید کرد تا در دل انسان‌های جامعه‌اش که خود او نیز جزئی از آنان است، جایی پیدا کند. تا میل ادبی آنان را به خواندن اشعارش بر سر ذوق آورد به گونه‌ای که گوش دادن و دل سپردن به اشعارش برای آنان لذت‌بخش باشد، بنابراین نظامی با به کار بردن کنایه‌هایی که مردم ترک زبان گنجه از آن‌ها استفاده می‌کردند، اشعارش را به زیبایی هرچه تمام‌تر زینت داده است :

شد صبح ضمیر باز خندان خورشید نمود باز دندان

(دستگردی، ۱۳۷۶: ۵۰۱)

زان شیفته‌ی سیه ستاره من شیفته‌تر هزار باره

(همان: ۵۴۴)

گردن به هوا کسی فرزند کو به همه چون هوا بسازد

(همان: ۴۵۰)

لیلی ز درون پرند می‌دوخت مجنون ز برون سپند می‌سوخت

(همان: ۴۷۶)

بگشاد شکر به زهر خنده کای بر جگرم نمک فکنده

(زنجانی، ۱۳۶۹: ۱۱۱)

۵- کنایه‌هایی که برخی از مسائل را در زیر پرده‌یی از ابهام بیان می‌کند.

بسیاری از سخنوران برای بیان افکار و اندیشه‌های خود به خاطر آن که مخاطب از آنها دلگیر نشود، گاهی راه احتیاط را با استفاده از کنایات عامیانه بر می‌گزینند.

تأمل در اشعار نظامی نشان می‌دهد که وی چه قدر در بیان سخنان خود که احتمال می‌دهد سبب رنجش خاطر مخاطبش شود به نحو مطلوب از کنایه‌ها استفاده می‌کند. شاعر آن قدر بر کاربرد کنایه مسلط است که هرگونه دلش می‌خواهد به همان نحو آن را به جولان در می‌آورد. شاعر بر اوضاع همانند یک دیدبان تیزبین نظارت دارد که مبادا دل کسی از بیانش رنجیده شود، مثلاً در جریان نکوهش لیلی از زبان کسی که مجنون را از شوهر کردن لیلی آگاه می‌کند، به کنایه تعریض زن را به سختی و به تندی مورد مذمت

قرار می‌دهد، و او را بی وفاترین موجود روی زمین خاکی می‌داند، ولی هر وقت زنی این اشعار را بخواند، هیچ وقت از نظامی گنجه‌ای دلگیر و رنجیده نمی‌شود، حتی با اشتیاق و شوق وصف نشدنی، به قرائت اشعار نغز او ادامه می‌دهد و از خواندن این اشعار احساس لذت ادبی می‌کند و داستان را تا آخر پیگیری می‌کند، این چیزی نیست، مگر خلاقیت آن فرزانه، که تسلط او را بر میدان سخن و شعر بیان می‌دارد، قصد شاعر آزرده خاطر و دل کسی نیست، بلکه هدفش بیان افکاری است که ما در جامعه‌ی انسانی با آن‌ها مواجه هستیم و برای زندگی باید نسبت به آنها آگاهی داشته باشیم تا در زندگی پر فراز و نشیب دچار مشکلات اجتماعی و عاطفی نشویم.

آن دوست که دل بدو سپردی بر دشمنیش گمان نبردی

(دستگردی، ۱۳۷۶: ۵۲۱)

شد دشمن تو ز بی وفائی خود باز برید از آشنائی

(همان: ۵۲۱)

این ابیات، از اندیشه‌ی ناب نظامی گنجه‌ای می‌تراود ولی او با هنرمندی هرچه تمام‌تر این سخنان را از زبان کسی دیگر ایراد می‌کند تا جانب احتیاط را رعایت کرده باشد، بدون این که کسی از او آزرده خاطر شود.

شاعر گنجه در بیان انواع سخنان، هنرمند تمام عیاری است که به نحو مطلوب در ایراد انواع سخن، هیچ حد و مرزی ندارد و هرجایی که دلش می‌خواهد گستردنی سخنش را می‌گستراند بدون این که موجب آزار و رنجش خاطر بنده‌ای شود، بنابراین این سخندان با به کارگیری کنایات عامیانه توانسته است فرهنگ مردم جامعه خود را برای همیشه در دل‌های اهل روزگار زنده نگه دارد.

نظامی در حکایت پند دادن پدر، مجنون را و پاسخ مجنون در برابر پدرش، به خوبی از هنر کنایه استفاده کرده است و سخن خود را به تعریض و کنایه و در زیر پرده‌ای از ابهام بیان کرده است، به طوری که پدر مجنون از مجنون دل آزرده نمی‌شود و احترام پدر و پسرگی به هم نمی‌خورد.

تیغ از سر عاشقان دریغ است

جانان طلب از جهان نترسد

شایسته تشت و تیغ باشد

در عشق چه جای بیم تیغ است

عاشق ز نهیب جان نترسد

سر کو ز فدا دریغ باشد

جانبست مرا بدین تباهی

بگذار ز جان من چه خواهی

(همان: ۴۹۰)

و نیز در بیتی به کنایه و تعریض، با رعایت احتیاط، به شکل بسیار ماهرانه بدون آزار کسی می گوید، تو نیز جزو منکران الوهیت مباش :

با پرده دریدگان خودبین

در خلوت هیچ پرده منشین

(همان: ۴۴۸)

این بیت را هر کسی بخواند و چنان که اهل الوهیت نباشد هیچ وقت نسبت به نظامی آزرده خاطر نمی شود؛ بلکه احساس رضایت مندی خواهد کرد و با جان دل به سخن او گوش فرا خواهد داد، دقت در این شیوه ی نظامی، این نکته را برای همگان آشکار می سازد که وی در کاربرد این روش می تواند سرآمد اهل هنر و ادب باشد.

اغلب شاعران پس از نظامی در بیان اشعار خود راه تقلید از وی را در پیش گرفته اند و از این که مقلد او هستند، افتخار می کنند، تقلید شاعران پس از وی، این ادعا را به اثبات می رساند که شیوه ی نظامی الگوی بسیار مناسبی برای شاعران بعد از او جهت بیان افکارشان است، بدون آن که دلی را برنجانند.

۶- کنایه هایی که برای بیان قناعت و خرسندی به کار رفته اند.

قانع بودن به اندک، از اصول با ارزشی است که موجب تکامل انسانیت یک انسان می شود، مجهز بودن به این سلاح ارزشمند معنوی، انسان را از قید اسارت در مادیات می رهاند و به اوج معنویت که همواره لازمه ی زندگی آبرومند است می رساند.

در آثار بزرگان ، همواره شاهد قناعت ورزی این بزرگان و توصیه شان به قناعت هستیم. این خصلت نیک آن قدر ارزشمند است که شاعری چون سعدی، یک باب از بوستان را به این موضوع اختصاص داده است و با آوردن حکایت های متعدد، انسان را به دوری از طمع و آز ترغیب و به قناعت تشویق می کند :

سر پر طمع برنیاید ز دوش
برای دو جو دامنی دُر بریخت
چرا ریزی از بهر برف آبروی
و گرنه ضرورت به درها شوی
چه می بایدت ز آستین دراز

قناعت سرافرازد ای مرد هوش
طمع آبروی تَوَقَّر بریخت
چو سیراب خواهی شدن ز آب جوی
مگراز تنعم شکیبا شوی
برو خواجه کوتاه کن دست از

کسی را که درج طمع در نوشت
توقیع براند ز هر مجلسست
نباید به کس عبد و خادم نبشت
بران از خودش تا نراند کست
(سعدی، ۱۳۷۲: ۲۶۴)

از آن جایی که سعدی از این خصلت نیک انسانی به کرات یاد می‌کند و آن را از خصایص بسیار پسندیده می‌داند که انسان در سایه پر برکت آن می‌تواند دندان آز و طمع را برای همیشه بکشد و به دور بیندازد. نظامی نیز با استفاده از کنایه‌های عامیانه به خوبی توانسته است این خصلت پسندیده بشری را مورد عنایت قرار دهد، به طوری که داشتن این گنج ارزشمند و روح بخش را، به تمام انسان‌ها توصیه می‌کند، و خود نیز به این اصل انسانی اعتقاد خاص دارد و آن را در تمام طول عمر خود، هم چون الگوی نیک حفظ کرده است؛ چون اگر به این اصل اعتقاد نداشت هیچ وقت دربارنشینی را طرد نمی‌کرد.

سفارش به قناعت در کنایه‌های لیلی و مجنون، مانند خورشیدی فروزان است که هیچ وقت تابش نورانی آن رو به افول نمی‌گذارد، بلکه لحظه به لحظه نورانیت خود را بر جهانیان فروزان می‌کند تا با این فروزش انسان‌ها را به قناعت راهنمایی کند و از طمع‌ورزی دور کند. نظامی به قدری بر نعمت قناعت افتخار می‌کند که آن را هم ردیف با پادشاهی کردن می‌داند. در حکایت آمدن سلیم عامری خال مجنون، برای دیدن او، قناعت ورزی آن با کنایه‌های عامیانه به اوج می‌رساند:

هر کو چو تو قانع گیاهست
در عالم خویش پادشاهست
زین سان که منم بدین نزاری
مستغنیم از طعام خواری

(دستگردی، ۱۳۷۶: ۵۵۲)

۷- کنایه‌های عامیانه که برای اظهار محبت به دیگران به کار برده شده است. محبت به اطرافیان از منش‌های بسیار پسندیده است که بزرگان دین اسلام به این خصلت اعتقاد خاصی داشته‌اند به طوری که خداوند منان یکی از عوامل موفقیت پیامبر اسلام را داشتن اخلاق نیکو و محبت به اطرافیانش می‌داند، این منش پسندیده همواره در آثار ادیبان بزرگ ایران مورد توجه خاص قرار گرفته تا با عنایت به این اصل انسانی اشعار خود را در دل مردم پسندیده جلوه دهند.

نظامی از جمله‌ی انسان‌های نیک‌منش است که در کنایه‌های خود همیشه اظهار محبت به انسان‌های پیرامونش را بر همه چیز مقدم می‌داند، و دیگران را نیز به داشتن این گوهر

گران‌بها سفارش می‌کند؛ حتی عقیده دارد که با محبت نمودن به حیوانات درنده، نیز می‌توان آنها را نسبت به خود جذب کرد. نظامی شاعر توانمندی است که در اشعار خود به وسیله کنایه‌های عامیانه به خوبی توانسته این خصلت را به دیگران القا کند و مردم را به این نکته‌ی ارزشمند متوجه سازد که با داشتن اخلاق نیکو و محبت‌آمیز می‌توان از مشکلات بسیار لاینحل از جمله مرگ نجات یافت.

ما در حکایت انس مجنون با حیوانات وحشی شاهد عظمت و تأثیر محبت هستیم. آن چنان تأثیری که فقط محبت نمودن به غیر، می‌تواند آن را به وجود آورد نه چیز دیگر، نظامی در این حکایت جالب به کنایه و تعریض این نکته‌ی اخلاقی را بیان می‌کند که انسان نیکومنش می‌تواند با اظهار محبت، انسان‌هایی را که دارای خلق و خوی حیوانی هستند رام کند و از آن‌ها انسان‌هایی بسازد، که الگویی برای محبت ورزی و مأمنی برای آسودگی دیگران باشد.

در این حکایت آموزنده جوان هنرمندی، از ترس این که یک روز پادشاه بی رحم بر او خشم گیرد و او را در مطرح سگان و حیوانات خون خوار افکند، برای رهایی از چنین مصیبتی بنای دوستی با سگبانان و حیوانات درنده می‌افکند تا با جذب محبت آنها نسبت به خود از این حادثه‌ی هولناک رهایی یابد، نظامی در طول این حکایت با طرح کنایه‌هایی که اغلب برای این موارد در اجتماع پیرامونش استفاده می‌شود، به خوبی توانسته شاهکاری خود را به نمایش بگذارد:

هر روز شدی و گوسفندی	در مطرح آن سگان فکندی
چندان بنواختشان بدان سان	کان دشواری بدو شد آسان
از منت دست زیر پایش	گشتند مطیع عقل و رایش
روزی به طریق خشمناکی	شه دید در آن جوان خاکی
فرمود به سگ دلان درگاه	تا پیش سگان برنش از راه

(همان: ۵۳۷)

با خواندن این حکایت بر ما آشکار می‌شود که نظامی چه قدر در کاربرد کنایه‌های عامیانه برای بیان افکارش استاد بوده است.

نتیجه گیری:

فن زیبایی کنایه، در منظومه‌ی *لیلی و مجنون* نظامی نقش اساسی را برای بیان مطالب و افکار شاعر گنجه ایفا می‌کند، نظامی با به کار بردن کنایه، مطالبی را اظهار می‌کند که آن مطالب با زبان عادی قابل بیان نیست؛ مثلاً در باره‌ی انسان‌های بی تقوا، مطالبی را بیان می‌کند که بدون فن کنایه آن مطالب قابل بیان نیستند.

نظامی در استفاده از کنایه‌های عامیانه به خوبی توانسته است استادی و هنرمندی خود را به رخ معاصران خود، حتی شاعران بعد از خود بکشد و این نقطه را نمایان سازد که او تنها در استعاره و تشبیه شاعر توانایی نیست؛ بلکه در انواع صور خیال دست قدرتمندی دارد که می‌تواند برای دیگر شاعران الگو باشد. بدون شک شاعر گنجه، از شاعران توانمندی است که توانسته، با به کار بردن کنایه‌های عامیانه، نظرات و افکار خود را، بدون آن که کسی را مورد آزار قرار دهد، درباره‌ی اجتماع، اخلاق، فرهنگ و بیان کند.

منابع:

- ۱- احمد نژاد، کامل، (۱۳۶۹)، تحلیل آثار نظامی گنجوی، چاپ اول، انتشارات علمی.
- ۲- ثروتیان، بهروز، (۱۳۶۴)، آئینه غیب، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۳- ثروتیان، بهروز، (۱۳۸۲)، اندیشه‌های نظامی گنجه‌ای، چاپ اول، انتشارات آیدین.
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۳)، پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، چاپ ششم، انتشارات سخن.
- ۵- زنجانی، برات، (۱۳۷۲)، احوال و آثار شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۶- زنجانی، برات، (۱۳۷۷)، صور خیال در خمسه نظامی، چاپ اول، انتشارات امیر کبیر.
- ۷- سعدی، مصلح الدین، (۱۳۷۳)، دامنی از گل، شرح دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سخن.

- ۸- سعدی، مصلح الدین، (۱۳۷۲)، در آرزوی خوبی و زیبایی، گزیده دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن.
- ۹- گلی، احمد، (۱۳۸۷)، بلاغت فارسی، چاپ اول، تبریز، انتشارات آیدین.
- ۱۰- نظامی، گنجوی، (۱۳۶۹)، لیلی و مجنون، به تصحیح برات زنجانی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- نظامی، گنجوی، (۱۳۷۶)، کلیات نظامی، مطابق نسخه ی دستگردی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علم.
- ۱۲- نظامی، گنجوی، (۱۳۸۵)، هفت پیکر، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، چاپ پنجم، انتشارات قطره.

